



مقایسه پیشرفت تحصیلی مهارت‌های نوشتاری کودکان با و بدون تجربه پیش دبستانی در پایه اول ابتدایی در شهر اشنویه

نام نویسندگان:

علاءالدین علوی کاموسی، آرام احمدپور و کیوان محمدی

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مقایسه پیشرفت تحصیلی مهارت‌های نوشتاری کودکان با و بدون تجربه پیش دبستانی در پایه اول ابتدایی در شهر اشنویه انجام شده است. روش پژوهش از نوع علی مقایسه ای است. جامعه آماری این پژوهش، کلیه دانش آموزان پایه اول ابتدایی شهرستان اشنویه است که در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۹۴ مشغول به تحصیل بودند. در این پژوهش روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای استفاده شد. داده‌ها نیز براساس پرسشنامه ی آزمون پیشرفت مهارت نوشتن پایه اول ابتدایی به دو صورت گروهی و انفرادی قابل اجراست که در پژوهش حاضر به صورت انفرادی اجرا شده است جمع آوری شده است. داده‌های بدست آمده به وسیله آمار توصیفی و استنباطی و آزمون T مستقل محاسبه شده است. نتایج به دست آمده از آزمون T مستقل دو گروه در هر یک از فرضیه‌ها نشان می‌دهد که بین دو گروه تفاوت معناداری وجود دارد و فرضیه‌های پژوهش تأیید شده است. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که بین مهارت‌های نوشتاری و عملکرد املاء و انشاء دختر و پسر آموزش دیده دوران پیش از دبستان نسبت به دختر و پسر آموزش ندیده تفاوت وجود دارد و افراد آموزش دیده عملکرد بهتری دارند.

کلید واژه‌ها: پیش از دبستان، پیشرفت تحصیلی، دانش آموز

مقدمه

بر اساس یافته‌های روانشناسی و علوم تربیتی، سالهای پیش از دبستان در رشد و تربیت کودکان نقشی اساسی و تعیین کننده دارد، در این دوران حساس و مهم، یادگیری کودکان عمیق تر، سریع تر و آسان تر انجام می‌شود. توانایی‌های آنان در جنبه‌های مختلف رشد شکوفا می‌شود و پایه‌های اصلی شخصیت آن‌ها شکل می‌گیرد. بر همین اساس بسیاری از پژوهشگران و سیاست گذاران امر آموزش، روی آموزش‌ها و آموزش مهارت‌های پیش دبستانی و دبستان تاکید دارند و از این بین تاکید ویژه ی آموزش، روی آموزش زبان، ریاضیات و مهارت‌های هوشی - هنری است. آن‌ها معتقدند حذف آموزش مهارت‌هایی چون آوا شناسی کلمات (که عامل مهمی جهت شناسایی درست حروف و در نتیجه



کلمات است)، آموزش اطلاعات عمومی و زبان دوم و آموزش صحیح رفتارهای اجتماعی باعث دلزدگی از ورود به مدرسه و در نهایت افت شدید تحصیلی در میان دانش آموزان می شود (بهمنی، ۱۳۸۵).

هارولد و اسکیلز^۱ (۱۹۹۶) که به مطالعه ی تأثیر محیط‌های دارای محرکات محیطی غنی پرداخته است، نتیجه گیری می کنند که آموزش‌های دوران کودکی در رشد اجتماعی - عاطفی و جسمی کودکان تأثیر بسزایی دارد. مطالعات بلوم^۲ (۱۹۶۴) و هانت^۳ (۱۹۶۱) نشان می دهند که آموزش اولیه از بعضی جهات مطلوب و مناسب است، زیرا توانمندی کودکان برای یادگیری، رشد و پیشرفت واقعی تحت تأثیر تجارب محیطی است (مفیدی، ۱۳۷۲). پژوهشگران معتقدند بروز ناهنجاری‌های رفتاری - آموزشی چون ناتوانی در درک مفاهیم آموزشی، بی قراری و شیطنت در کلاس، بیش فعالی، بی نظمی در انجام تکالیف یا رفتارهای شخصی، فرار از مدرسه، تکرار پایه ی آموزشی و هر نوع عدم تعادل رفتاری - آموزشی ناشی از غفلت در آموزش صحیح در پایه ی پیش دبستانی است. شیوع این اختلالات یادگیری در کودکان سنین مدرسه حدود ۷ درصد تخمین زده شده است (ایوانز، ۲۰۱۰، به نقل از حسینی، آقاجانی، نوفرستی، ۱۳۹۰). در حقیقت همه کودکان نیاز دارند تا پیش از ورود به مدرسه و یا بهتر بگوییم ورود به اجتماع، آمادگی‌های لازم را کسب کرده و برای ورود به اجتماع حاضر شوند. مطالعات نشان می دهد سرمایه گذاری صحیح در آموزش پایه ای پیش دبستان و انتخاب برنامه ی آموزشی با کیفیت بالا نه تنها باعث افزایش آمادگی و اشتیاق کودکان برای ورود به مدرسه و اجتماع می شود، بلکه به صورت خاص تأثیر بسیار مثبتی بر کودکان متعلق به خانواده‌های متوسط و کم درآمد و یا کودکانی که والدین آن‌ها تحصیلات مناسب و بالایی ندارند، خواهد داشت (راه پیم، ۱۳۸۶).

بسیاری از روانشناسان و دانشمندان تعلیم و تربیت بر این باورند که سالهای آغازین زندگی کودک یکی از مهم ترین دوره‌های رشد او می باشد. بیشتر آنچه که در این دوران رخ می دهد به طور اساسی، بر رشد بعدی کودک اثرگذار است. در واقع تشخیص اهمیت آموزش پیش دبستانی برای ایجاد بهزیستی کودکان به طور فزاینده در طول چند دهه گذشته مورد تاکید قرار گرفت. از آنجا که اساس شخصیت فرد در دوره پیش دبستانی شکل می گیرد، ارائه آموزش‌های اثربخش در این دوران برای رشد بعدی کودک از اهمیت حیاتی برخوردار است (طالب زاده، ۱۳۸۴).

یادگیری در این دوره برای کودکان جالب و همراه با تفریح است. کودک معمولاً هر چیزی که به کوشش‌هایش یاری دهد و او را در انجام خواسته‌هایش موفق سازد، به آموختن آن علاقه مند می شود. پیشرفت در یادگیری، نه تنها به خود کودک، بلکه به شیوه ی رفتار بزرگترها، انتظارات جامعه و مهارت مربیان و والدین کودک در راهنمایی کودک و نیز مقتضیات محیط بستگی دارد. در واقع کیفیت بالای آموزش‌های دوران پیش دبستان و آموزه‌های پدران و مادران، تأثیر مثبتی بر مهارت‌های زبانی کودکان دارد (مارجانویک و همکارانش، ۲۰۰۶). بعضی از محیط‌ها برای یادگیری انگیزه ای

^۱. Skeels

^۲. Benjamin Blom

^۳. J- Hunt



ندارند و بعضی دیگر بهترین و مؤثرترین وسایل را فراخور استعداد کودک به وجود می‌آورند. رشد روانی کودک بنا بر نیازها و وسایل محیطی پیشرفت میکند. مهم ترین عوامل سازنده در محیط کودک در دوره ی پیش از دبستانی عبارت‌اند از: وسایل بازی مناسب، دوستان، آموزش و راهنمایی وظایفی که انجام آن‌ها بیش از توان کودک نباشد و مایه ی تشویق او نیز گردد (بای، ۱۳۸۸).

آموخته‌های بنیادی و تجارب مفید مهارت‌های زبانی در گوش دادن و خواندن در واقع پیش نیازی برای نوشتن محسوب می‌شود. باید افزود برای داشتن پایه ای محکم در مهارت‌های شنودی و تبحر در کاربرد زبان نوشتاری، مهارت‌های دیگری نیز لازم است. بدین معنی که توانایی نگهداری اندیشه ای در مغز و تبدیل آن اندیشه به بخش‌ها و الگوهای نحوی مناسب، طراحی فرم صحیح ترسیمی هریک از حروف و کلمات در ذهن، به کارگیری مطلوب ابزار نوشتاری در ترسیم شکل حروف، یگانه سازی روابط پیچیده چشم، دست و حافظه دیداری و حرکتی مکفی، همه و همه از ضروریات امر کتابت یا نوشتن است (فریار و رخشان، ۱۳۷۹).

نوشتن یکی از مهارت‌های اساسی و پایه ای دوران ابتدایی است و یک عمل عمدی می‌باشد، یعنی یکی از پیچیده ترین اعمالی است که کودک باید به کسب آن نائل شود و این اکتساب تحول ظرفیت‌های حرکتی پایه در حد کافی است. توانایی نگهداشتن ابزار نوشتن به گونه ای در عین حال محکم و منعطف و هدایت کردن آن در مسیرهای کاملاً معین، فراهم آوردن تکیه گاه لازم برای دست، بازو و جز آن. این عمل همچنین مستلزم ایجاد هماهنگی حرکتی پیچیده و یک پارچه بخشیدن آن‌ها در فضا (در روی صفحه کاغذ) و در زبان است (دادستان و منصور، ۱۳۷۱).

بیسکس ۱ (ناعمی، ۱۳۸۹) مشاهده کرد بچه‌ها از طریق نوشته‌های تلویزیون، بسته‌های مواد غذایی، لوله خمیردندان و علائم خیابان‌ها و ساختمان‌ها با نوشتن قبل از دبستان آشنا می‌شوند. مهدها و مراکز پیش دبستانی، می‌بایست کودکان را در آشنایی تدریجی با فرم نوشتاری زبان که خود ساختار نوشتن است، یاری دهند، به عنوان مثال آموزش آواها، واج‌ها و صداها از روی لوح‌هایی که حروف الفبا را نمایش می‌دهند می‌تواند روش مناسبی باشد (بهداد، ۱۳۸۵).

آموزش اولیه از بعضی جهات مطلوب و مناسب است، زیرا توانمندی کودکان برای یادگیری، رشد و پیشرفت واقعی تحت تأثیر تجارب محیطی اولیه است (مفیدی، ۱۳۷۲) و در این راستا بیشترین مسئولیت در بهبود و تحقق اهداف آموزش و پرورش و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان بر دوش معلمان و مربیان گذاشته شده است.

به هر حال زمانی که رشد خواندن و نوشتن روند عادی خود را طی نکنند و کودک در اکتساب این مهارت‌ها با موانعی مواجه گردد، نمی‌توان انتظار مثبتی از او داشت. حضور در مراکز پیش از دبستان آمادگی‌هایی را در این زمینه در اختیار کودک خواهد گذاشت چون بارزترین شاخص پیشرفت هر جامعه در عصر حاضر عبارت است: میزان استفاده افراد آن جامعه از کانال مکتوب برای دریافت یا دادن اطلاعات، اتکاء به کانال شفاهی برای دریافت و انتقال اطلاعات، معمولاً مانع

بزرگی را بر سر راه استفاده بهینه از کانال زبان مکتوب، یعنی خواندن و نوشتن ایجاد کند (کاکوجویاری و هوسپیان، ۱۳۸۰).

فرضیه‌های تحقیق

- ۱- پیشرفت تحصیلی مهارت‌های نوشتاری کودکان آموزش دیده دوران پیش از دبستان نسبت به پیشرفت تحصیلی مهارت‌های نوشتاری کودکان آموزش ندیده پیش از دبستان متفاوت است.
- ۲- عملکرد املاء و انشاء دانش آموزان دختر آموزش دیده دوران پیش از دبستان نسبت به دانش آموزان دختر آموزش ندیده دوران پیش از دبستان در کلاس اول ابتدایی متفاوت است.
- ۳- عملکرد املاء و انشاء دانش آموزان پسر آموزش دیده دوران پیش از دبستان نسبت به دانش آموزان پسر آموزش ندیده دوران پیش از دبستان در کلاس اول ابتدایی متفاوت است.
- ۴- عملکرد املاء و انشاء دانش آموزان دختر آموزش دیده دوران پیش از دبستان نسبت به دانش آموزان پسر آموزش دیده دوران پیش از دبستان در کلاس اول ابتدایی متفاوت است.

روش

نوع تحقیق، جامعه آماری، نمونه و روش نمونه گیری

روش پژوهش حاضر با توجه به اینکه موضوع و هدف آن، مقایسه پیشرفت تحصیلی مهارت‌های نوشتاری دانش آموزان آموزش دیده و آموزش ندیده دوران پیش از دبستان در پایه اول ابتدایی در شهرستان اشنویه است، روش علی مقایسه ای است. جامعه آماری این پژوهش، کلیه دانش آموزان پایه اول ابتدایی شهرستان اشنویه است که در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۹۴ مشغول به تحصیل بودند. در این پژوهش روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای استفاده شد، تعداد ۶۰ نفر دانش آموز کلاس اول ابتدایی که ۳۰ نفر را دانش آموزان آموزش دیده پیش از دبستان (۱۵ دانش آموز دختر و ۱۵ دانش آموز پسر) و ۳۰ نفر دیگر را دانش آموزان آموزش ندیده دوران پیش از دبستان (۱۵ دانش آموز دختر و ۱۵ دانش آموز پسر) انتخاب شده است. بدین طریق که از میان تمام دبستان‌های دخترانه و پسرانه شهرستان اشنویه به قید قرعه ۶ دبستان (۳ دخترانه، ۳ پسرانه) انتخاب شدند و از هر دبستان برای هر گروه ۵ دانش آموز باتجربه آموزش پیش از دبستان و ۵ دانش آموز بدون تجربه پیش از دبستان انتخاب شد.



ابزار اندازه گیری

ابزار مورد استفاده در این تحقیق، آزمون پیشرفت مهارت نوشتن پایه اول ابتدایی است که به دو صورت گروهی و انفرادی قابل اجراست که در پژوهش حاضر به صورت انفرادی اجرا شده است. هدف از ساخت و هنجاریابی این آزمون، استفاده از آن به عنوان ابزاری استاندارد جهت بررسی دیکته و بیان نوشتاری دانش آموزان در پایه اول ابتدایی است. این آزمون توسط راغب (۱۳۸۴) ساخت و هنجاریابی شده است. نتایج اجرای آزمون بر روی ۴۰۰ دانش آموز دختر و پسر پایه اول ابتدایی نشان داده که ضریب پایایی کل آزمون ۰/۹۵ بدست آمد. ضریب آلفا در خرده آزمونها: خرده آزمون اول: ۹۳ / ۰ خرده آزمون دوم: ۹۳ / ۰، خرده آزمون سوم: ۸۸ / ۰، خرده آزمون چهارم: ۶۸ / ۰، خرده آزمون پنجم: ۶۰ / ۰، خرده آزمون ششم: ۶۹ / ۰ گزارش شده است. (راغب، ۱۳۸۴).

یافته‌ها

جدول فراوانی / درصد آموزش و جنسیت در گروه نمونه

آموزش	جنسیت	فراوانی	درصد
دیده	پسر	۳۰	٪۵۰
ندیده	دختر	۳۰	٪۵۰
کل	کل	۶۰	٪۱۰۰

میانگین و انحراف استاندارد نمرات املاء و انشاء دانش آموزان دختر و پسر فاقد تجربه ی پیش از دبستان و دانش آموزان پسر و دختر دارای تجربه ی پیش از دبستان

عملکرد	جنسیت	میانگین	انحراف استاندارد
املاء	دختر	دارای تجربه	۳۹/۵۴
		فاقد تجربه	۳۲/۵۱
املاء	پسر	دارای تجربه	۴۳/۵۸
		فاقد تجربه	۲۷/۶۳
		دارای	۱/۷۵
		میانگین	۳۱/۵۷



		تجربه	دختر	انشاء
۶/۵۶	۱۸/۷۱	فاقد تجربه		
۲/۱۱	۲۸/۱۱	دارای تجربه	پسر	
۵/۳۲	۲۱/۶۳	فاقد تجربه		

در ابتدا جهت مقایسه جدول مربوط به میانگین و انحراف استاندارد نمرات املاء و انشاء دانش آموزان دختر و پسر فاقد تجربه ی پیش از دبستان و دانش آموزان پسر و دختر دارای تجربه ی پیش از دبستان خواهد آمد و سپس به بررسی جداگانه ی هریک از فرضیه ها پرداخته می شود.

میانگین و انحراف استاندارد نمرات نوشتاری دانش آموزان با و بدون تجربه ی پیش از دبستان

T	درجه آزادی	سطح معنا داری	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد		
۷/۷۵	۵۸	۰/۰۱	۱۸/۴۲	۲۵۵/۶۶	۳۰	دارای تجربه	عملکرد نوشتن
			۳۲/۷۸	۲۰۷/۷۶	۳۰	فاقد تجربه	
			۲۴/۸۷	۲۳۱/۷۱	۶۰	کل	

طبق جدول توصیفی بالا میانگین نمرات نوشتاری دانش آموزان آموزش دیده دوران پیش از دبستان برابر ۲۵۵/۶۶، با انحراف استاندارد ۱۸/۴۲ و میانگین نمرات دانش آموزان آموزش ندیده دوران پیش از دبستان برابر ۲۰۷/۷۶ با انحراف استاندارد ۳۲/۷۸ می باشد و بر اساس آزمون t دو گروه مستقل، مقدار t به دست آمده در درجه آزادی ۵۸ برابر ۷/۷۵، با سطح معناداری ۰/۰۱ از t جدول بزرگتر می باشد که بیانگر معنی دار بودن اختلاف بین میانگین هاست، بنابراین فرضیه ی پژوهش تایید شده و با ۹۹٪ اطمینان می توان نتیجه گرفت که عملکرد نوشتاری دانش آموزان آموزش دیده دوران پیش از دبستان نسبت به دانش آموزان آموزش ندیده دوران پیش از دبستان متفاوت است.

میانگین و انحراف استاندارد نمرات املاء و انشاء دختران آموزش دیده و آموزش ندیده دوران پیش از دبستان

T	درجه آزادی	سطح معناداری	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	جنسیت	
۴/۵۶۵	۲۸	۰/۰۱	۳۹/۵۴	۲۳۱/۱۷	۱۵	دختر	دارای تجربه ی پیش از دبستان
			۳۲/۵۱	۱۹۲/۵۴	۱۵		فاقد تجربه ی پیش از دبستان
۶/۸	۲۸	۰/۰۱	۱/۷۵	۳۱/۵۷	۱۵	دختر	دارای تجربه ی پیش از دبستان
			۶/۵۶	۱۸/۷۱	۱۵		فاقد تجربه ی پیش از دبستان

مطابق جدول بالا میانگین نمرات املاى دانش آموزان دختر آموزش دیده برابر ۲۳۱/۱۷، با انحراف استاندارد ۳۹/۵۴ و میانگین نمرات دختران آموزش ندیده دوران پیش از دبستان برابر ۱۹۲/۵۴، با انحراف استاندارد ۳۲/۵۱ می باشد که بر اساس آزمون t دو گروهی مستقل، مقدار t مساوی ۴/۵۶۵ در درجه آزادی ۲۸ با سطح معناداری ۰/۰۱ از t جدول (۲/۰۴۸) بزرگتر می باشد که بیانگر معنی دار بودن اختلاف میانگین ها است؛ یعنی قسمتی از فرضیه ما تایید می شود، بدین معنا تا ۹۹٪ اطمینان نتیجه می گیریم که عملکرد املاى دانش آموزان دختر آموزش دیده دوران پیش از دبستان نسبت به دانش آموزان آموزش ندیده دوران پیش از دبستان متفاوت است. مطابق قسمت دوم جدول بالا میانگین نمرات انشای دانش آموزان دختر آموزش دیده برابر ۳۱/۵۷، با انحراف استاندارد ۱/۷۵ و میانگین نمرات دختران آموزش ندیده دوران پیش از دبستان برابر ۱۸/۷۱، با انحراف استاندارد ۶/۵۶ می باشد که بر اساس آزمون t دو گروهی مستقل، مقدار t مساوی ۶/۸ در درجه آزادی ۲۸ با سطح معناداری ۰/۰۱ از t جدول (۲/۰۴۸) بزرگتر می باشد که بیانگر معنی دار بودن اختلاف میانگین ها است؛ یعنی قسمت دیگر فرضیه ما تایید می شود، بدین معنا تا ۹۹٪ اطمینان نتیجه می گیریم که عملکرد انشای دانش آموزان دختر آموزش دیده دوران پیش از دبستان نسبت به دانش آموزان آموزش ندیده دوران پیش از دبستان متفاوت است.



میانگین و انحراف استاندارد نمرات املاء و انشاء پسران آموزش دیده و آموزش ندیده دوران پیش از دبستان

T	درجه آزادی	سطح معناداری	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	جنسیت	
۴/۵۵	۲۸	۰/۰۱	۴۳/۵۸	۲۲۰/۴۵	۱۵	پسر	دارای تجربه ی پیش از دبستان
			۲۷/۶۳	۱۸۲/۶۴	۱۵		فاقد تجربه ی پیش از دبستان
۵/۰۲	۲۸	۰/۰۱	۲/۱۱	۲۸/۱۱	۱۵	پسر	دارای تجربه ی پیش از دبستان
			۵/۳۲	۲۱/۶۳	۱۵		فاقد تجربه ی پیش از دبستان

مطابق جدول بالا میانگین نمرات املاي دانش آموزان پسر آموزش دیده برابر ۲۲۰/۴۵، با انحراف استاندارد ۴۳/۵۸ و میانگین نمرات پسران آموزش ندیده دوران پیش از دبستان برابر ۱۸۲/۶۴، با انحراف استاندارد ۲۷/۶۳ می باشد که بر اساس آزمون t دو گروهی مستقل، مقدار t مساوی ۴/۵۵ در درجه آزادی ۲۸ با سطح معناداری ۰/۰۱ از t جدول (۲/۰۴۸) بزرگتر می باشد که بیانگر معنی دار بودن اختلاف میانگین ها است؛ یعنی قسمتی از فرضیه ما تایید می شود، بدین معنا تا ۹۹٪ اطمینان نتیجه می گیریم که عملکرد املاي دانش آموزان پسر آموزش دیده دوران پیش از دبستان نسبت به دانش آموزان آموزش ندیده دوران پیش از دبستان متفاوت است. مطابق قسمت دوم جدول بالا میانگین نمرات انشای دانش آموزان پسر آموزش دیده برابر ۲۸/۱۱، با انحراف استاندارد ۲/۱۱ و میانگین نمرات پسران آموزش ندیده دوران پیش از دبستان برابر ۲۱/۶۳، با انحراف استاندارد ۵/۳۲ می باشد که بر اساس آزمون t دو گروهی مستقل، مقدار t مساوی ۵/۰۲ در درجه آزادی ۲۸ با سطح معناداری ۰/۰۱ از t جدول (۲/۰۴۸) بزرگتر می باشد که بیانگر معنی دار بودن اختلاف میانگین ها است؛ یعنی قسمت دیگر فرضیه ما تایید می شود، بدین معنا تا ۹۹٪ اطمینان نتیجه می گیریم که عملکرد انشای دانش آموزان پسر آموزش دیده دوران پیش از دبستان نسبت به دانش آموزان آموزش ندیده دوران پیش



از دبستان متفاوت است.

میانگین و انحراف استاندارد نمرات املاء و انشاء دانش آموزان دختر و پسر آموزش دیده ی دوران پیش از دبستان

T	درجه آزادی	سطح معناداری	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	جنسیت	
۲/۶۴	۲۸	۰/۰۱	۳۹/۵۴	۲۳۱/۱۷	۱۵	دختر	دارای تجربه ی پیش از دبستان
			۴۳/۵۸	۲۲۰/۴۵	۱۵	پسر	دارای تجربه ی پیش از دبستان
۳/۹۹	۲۸	۰/۰۱	۱/۷۵	۳۱/۵۷	۱۵	دختر	دارای تجربه ی پیش از دبستان
			۲/۱۱	۲۸/۱۱	۱۵	پسر	دارای تجربه ی پیش از دبستان

مطابق جدول مربوطه میانگین نمرات املاي دانش آموزان دختر آموزش دیده پیش از دبستان برابر ۲۳۱/۱۷، با انحراف استاندارد ۳۹/۵۴ و میانگین نمرات پسران آموزش دیده دوران پیش از دبستان برابر ۲۲۰/۴۵، با انحراف استاندارد ۴۳/۵۸ می باشد که بر اساس آزمون t دو گروهی مستقل، مقدار t مساوی ۲/۶۴ در درجه آزادی ۲۸ با سطح معناداری ۰/۰۱ از t جدول (۲/۰۴۸) بزرگتر می باشد که بیانگر معنی دار بودن اختلاف میانگین ها است؛ یعنی قسمتی از فرضیه ما تایید می شود، بدین معنا تا ۹۹٪ اطمینان نتیجه می گیریم که عملکرد املاي دانش آموزان دختر آموزش دیده دوران پیش از دبستان نسبت به عملکرد املاء دانش آموزان پسر آموزش دیده دوران پیش از دبستان متفاوت است.

مطابق قسمت دوم جدول بالا میانگین نمرات انشای دانش آموزان دختر آموزش دیده پیش از دبستان برابر ۳۱/۵۷، با انحراف استاندارد ۱/۷۵ و میانگین نمرات پسران آموزش دیده دوران پیش از دبستان برابر ۲۸/۱۱، با انحراف استاندارد ۲/۱۱ می باشد که بر اساس آزمون t دو گروهی مستقل، مقدار t مساوی ۳/۹۹ در درجه آزادی ۲۸ با سطح معناداری ۰/۰۱ از t جدول (۲/۰۴۸) بزرگتر می باشد که بیانگر معنی دار بودن اختلاف میانگین ها است؛ یعنی قسمت دیگر از فرضیه ما تایید می شود، بدین معنا تا ۹۹٪ اطمینان نتیجه می گیریم که عملکرد انشای دانش آموزان دختر آموزش دیده

دوران پیش از دبستان نسبت به عملکرد انشای دانش آموزان پسر آموزش دیده دوران پیش از دبستان متفاوت است.

بحث و نتیجه گیری

بر اساس تجزیه و تحلیل‌های انجام شده ملاحظه شد که فرضیه اول تأیید می‌شود، یعنی با ۹۹٪ اطمینان بین میانگین نمرات عملکرد نوشتن دانش آموزان آموزش دیده ی دوران پیش از دبستان نسبت به میانگین نمرات عملکرد نوشتن دانش آموزان آموزش ندیده، تفاوت معنی داری وجود دارد. پس دانش آموزانی که از آموزش‌های پیش از دبستان برخوردار بوده اند در عملکرد نوشتن بهتر از دانش آموزانی بودند که از این آموزش‌ها برخوردار نبودند. این پژوهش با پژوهش‌های شهودی مؤدهی (۱۳۸۹)، راه پیما (۱۳۸۶)، براری (۱۳۸۶)، عصاره (۱۳۸۳)، رحیمی (۱۳۷۱)، تایو و تایلر (۲۰۰۲)، فانسلی و همکاران (۲۰۰۲)، پترسن (۱۹۷۸)، تیزارد (۱۹۹۳)، مورتی مورد (۱۹۸۸)، رایلی (۱۹۹۲)، پالمرو همکارانش (۱۹۷۹) همسو، وبا پژوهش‌های نوروز زاده (۱۳۷۳) و پیتر کاتیک (۱۹۹۴) ناهمسو می‌باشد. شهودی مؤدهی (۱۳۸۹) در تحقیقی تحت عنوان مقایسه مهارت نوشتاری کودکان با و بدون تجربه ی پیش دبستانی در پایه ی اول ابتدایی و ارائه راهکارهای مناسب به این نتیجه رسید که دارا بودن تجربه ی پیش از دبستان بر مهارت نوشتن دانش آموزان مؤثر بوده است، زیرا کودکان در این مراکز از آموزش‌های متعدد و گسترده ای بهره مند می‌شوند که هر کدام از این آموزش‌ها بر رشد و توسعه یکی از جنبه‌های شخصیت کودک و نیز مهارت‌های زندگی که در مراحل آتی زندگی شان نیازمند آن هستند، متمرکز است. یکی از این مهارت‌ها نوشتن است که در امر تحصیل نقش تعیین کننده ای دارد. در تبیین این فرضیه می‌توان گفت که آموزش‌های پیش از دبستان تأثیری انکار نشدنی بر عملکرد نوشتن دانش آموزان داشته است. برنامه‌های مراکز پیش از دبستان در هر منطقه یا کشوری تفاوت‌های بسیار زیادی با همدیگر دارند، اما می‌توان گفت که برخی از فعالیت‌ها همچون: قصه گویی، پرورش حواس، شعر، رشد و هماهنگی ماهیچه‌های ریز و درشت و هماهنگی بین اندام‌های مختلف بدن مثل دست و چشم در تمامی آن‌ها مشترک می‌باشد. فرضیه دوم پژوهش نیز تأیید شد، یعنی با ۹۹٪ اطمینان بین میانگین نمرات املاء و انشاء دانش آموزان دختر آموزش دیده ی دوران پیش از دبستان نسبت به میانگین نمرات املاء و انشاء دانش آموزان دختر آموزش ندیده، تفاوت معنی داری وجود دارد؛ بنابراین فرض صفر رد و فرض پژوهش ما تأیید می‌شود. این پژوهش با پژوهش‌های شهودی مؤدهی (۱۳۸۹)، راه پیما (۱۳۸۶)، عصاره (۱۳۸۳)، رحیمی (۱۳۷۱)، تایو و تایلر (۲۰۰۲)، فانسلی و همکاران (۲۰۰۲)، پترسن (۱۹۷۸)، تیزارد (۱۹۹۳)، مورتی مورد (۱۹۸۸)، رایلی (۱۹۹۲)، پالمرو و همکارانش (۱۹۷۹) همسو، وبا پژوهش‌های نوروز زاده (۱۳۷۳) و پیتر کاتیک (۱۹۹۴) ناهمسو می‌باشد. راه پیما (۱۳۸۶) در تحقیقی در این زمینه تحت عنوان مقایسه عملکرد نوشتاری دانش آموزان آموزش دیده ی دوران پیش از دبستان نسبت به عملکرد نوشتاری دانش آموزان آموزش ندیده ی دوران پیش از دبستان در پایان کلاس اول ابتدایی شهرستان پاوه به این نتیجه رسید که بین دانش آموزان آموزش دیده ی دوران پیش از



دبستان نسبت به دانش آموزان آموزش ندیده ی دوران پیش از دبستان از نظر عملکرد املاء و انشاء تفاوت معناداری وجود دارد، پس عملکرد نوشتن در دو زمینه ی املاء و انشاء در دانش آموزان آموزش دیده (پسر و دختر) بهتر از آموزش ندیده (دختر و پسر) می باشد و عامل جنسیت نیز در این تفاوتها مؤثر واقع شده است و تحصیلات پدر، مادر و درآمد خانواده بر عملکرد نوشتن دانش آموزان مؤثر است. در تبیین این فرضیه می توان گفت که تجربه ی پیش از دبستان بر مهارت نوشتن دختران مؤثر واقع شده است، زیرا کودکان در این مراکز از آموزش های متعدد و گسترده ای بهره مند می شوند که هر کدام از این آموزش ها بر رشد و توسعه یکی از جنبه های شخصیت کودک و نیز مهارت های زندگی که در مراحل آتی زندگی شان نیازمند آن هستند، متمرکز است. یکی از این مهارت ها نوشتن است که نقش عمده ای در امر تحصیل دارد و کودک قبل از یادگیری آن به یک سری پیش نیازها از قبیل هماهنگی چشم و دست، توانمند بودن عضلات کوچک دست و انگشتان و رشد توانایی به کارگیری صحیح عضلات ریز دست برای قلم در دست گرفتن، تقویت ادراک دیداری، سمت شناسی و شناخت مفاهیم نیاز دارد و این مراکز فرصت های متعددی برای فعالیت و کسب مهارت در پیش نیازهای نوشتن برای کودکان فراهم می کنند. بر اساس تجزیه و تحلیل های انجام شده ملاحظه شد که فرضیه سوم پژوهش تأیید شد، یعنی با ۹۹٪ اطمینان بین میانگین نمرات املاء و انشاء دانش آموزان پسر آموزش دیده ی دوران پیش از دبستان نسبت به میانگین نمرات املاء و انشاء دانش آموزان پسر آموزش ندیده، تفاوت معنی داری وجود دارد؛ بنابراین فرض صفر رد و فرض پژوهش ما تایید می شود. این پژوهش با پژوهش های شهودی مزدهی (۱۳۸۹)، راه پیما (۱۳۸۶)، عصاره (۱۳۸۳)، رحیمی (۱۳۷۱)، تایو و تایلو (۲۰۰۲)، فانسلی و همکاران (۲۰۰۲)، پترسن (۱۹۷۸)، تیزارد (۱۹۹۳)، مورتی مورد (۱۹۸۸)، رایلی (۱۹۹۲)، پالمر و همکارانش (۱۹۷۹) همسو، وبا پژوهش های نوروز زاده (۱۳۷۳) و پیتر کاتیک (۱۹۹۴) ناهمسو می باشد. در تحقیقی در این زمینه رحیمی (۱۳۷۱) نشان داده است: دانش آموزانی که دوره آمادگی را گذرانده اند، نسبت به دانش آموزانی که دوره ی آمادگی را نگذرانده بودند در آزمون های ریاضی، دیکته و انشاء تفاوت معنی داری نشان داده اند. تأثیر دوره ی آمادگی بر آزمون های دیکته و انشاء بیشتر از آزمون ریاضی بوده است. تایو و تایلو^۱ (۲۰۰۲) نیز در تحقیقی تحت عنوان تأثیر آموزش های پیش از دبستانی بر پیشرفت تحصیلی در ابتدایی یک مطالعه موردی از دانش آموزان کلاس اول در بوستوانا پرداختند که در این تحقیق تأثیر سودمندی برنامه "سراغاز" بر پیشرفت تحصیلی که در آمریکا در سال ۱۹۶۰ رسماً شروع به کار کرد را سنجید، یافته ها نشان داد که تفاوت های معنا داری بین عملکرد تحصیلی دانش آموزان کلاس اول بوستوانا باتجربه آموزش و پرورش پیش دبستانی و همتایانشان، بدون تجربه ای در آموزش و پرورش پیش از دبستان در تکالیف انتخاب شده در زبان انگلیسی، ریاضی و علوم وجود دارد. در تبیین این فرضیه می توان گفت که نوشتن یک روش بسیار پیچیده ابراز عقیده است که هماهنگی مجموعه ای از تواناییهای دیداری - نوشتاری، زبان شناختی و ادراکی را در بر می گیرد، به عبارتی دیگر متخصصین بر



این نکته که نوشتن یک مهارت آموختنی است و می‌تواند در مدرسه به‌عنوان یک فعالیت تفکر - یادگیری آموزش داده شود توافق دارند. عمل نوشتن در واقع با چند مهارت بسیار مشخص، از جمله توانایی نگهدری موضوع در ذهن، تنظیم موضوع به‌صورت کلمه‌ها، ترسیم گرافیکی شکل هر کلمه، به کار گیری صحیح ابزار نوشتن و دانش حافظه دیداری و حرکتی کافی سروکار دارد و این مهارت‌ها نیاز به آموزش‌هایی اولیه و پیش از دبستان دارد تا به‌عنوان پیش مقدمه ای روند کودکان را در زمینه عملکرد نوشتن در دبستان و سال‌های بعد تسریع ببخشد و مانع از اختلالات یادگیری کودکان تا حد زیادی شود. در واقع آموزش در دوران کودکی و پیش از دبستان از دو جنبه مورد توجه قرار می‌گیرد، یکی حساسیت و سهولت اثرپذیری کودکان از محیط‌های آموزشی می‌باشد و دیگری دوام تاثرات و عمق یادگیری‌های آن‌ها در این دوران است که زمینه‌های رشد و شکوفایی کودکان را در مراحل بعدی تحصیل و زندگی فراهم می‌کند.

بر اساس تجزیه و تحلیل انجام شده فرضیه ی چهارم تایید شد یعنی با ۹۹٪ اطمینان می‌توان گفت که بین میانگین نمرات املاء و انشای دانش آموزان دختر آموزش دیده ی پیش از دبستان در مقایسه با میانگین نمرات املاء و انشای پسران آموزش دیده ی دوران پیش از دبستان تفاوت معنی داری وجود دارد پس دانش آموزان دختر آموزش دیده در آزمون املاء و انشا نسبت به پسران آموزش دیده ی پیش از دبستان عملکرد بهتری دارند. این فرضیه با پژوهش‌های شهودی مؤدهی (۱۳۸۹)، راه پیما (۱۳۸۶)، شهنی ییلاق و همکاران (۱۳۸۱)، هوپر و همکاران (۱۹۹۴)، برنیگر و فولر^۱ (۱۹۹۲)، تاکری (۱۹۷۶) و ویتینگ و پیترسن^۲ (۱۹۷۸) همسو و با سبزه (۱۳۸۵) و پاکریان (۱۳۷۶) نا همسو می‌باشد. شهودی مؤدهی (۱۳۸۹) در تحقیق خود تحت عنوان مقایسه مهارت نوشتاری کودکان با و بدون تجربه ی پیش دبستانی در پایه ی اول ابتدایی و ارائه راهکارهای مناسب به این نتیجه رسید که دارا بودن تجربه ی پیش از دبستان بر مهارت املاء و انشاء دانش آموزان مؤثر بوده است و دختران آموزش دیده عملکرد بهتری از پسران آموزش دیده در زمینه املاء و انشاء داشتند. هوپر و همکاران (۱۹۹۴) نیز در پژوهشی که بر اساس آزمون زبان نوشتاری هامیل و لارسن^۳ در نمونه ای متشکل از ۳۰ درصد از شاگردان دختر و پسر دوره ی راهنمایی انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که نتایج ۳۴ تا ۴۶ درصد از شاگردان، یک انحراف معیار کمتر از میانگین و تعداد پسران واجد نارسایی ۱/۵ برابر دختران بوده است. در تحقیقاتی ناهمسو با این فرضیه سبزه (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان تأثیر فعالیت‌های زبان آموزی دوره ی پیش از دبستان بر رشد زبان گفتاری دانش آموزان پایه ابتدایی منطقه ۱۵ شهر تهران سال تحصیلی ۸۵-۸۴ انجام گرفت و نتایج این پژوهش نشان داد که تحصیلات والدین تأثیر مثبتی بر رشد زبان گفتاری دانش آموزان دارد. به علاوه، در این پژوهش تفاوت معناداری بین دختران و پسران از لحاظ رشد زبان مشاهده نگردید. در تبیین این فرضیه می‌توان گفت که بیان نوشتاری ماهرانه به تواناییهای متعددی وابسته است. تواناییهایی مانند به زبان ساده سخن گفتن، توانایی خواندن،

۱- Berninger & Fuller

۲- Witting and Petersen

۳- Hammill & Lorsen

مهارت در هجی کردن و راهکارهای شناختی جهت سازماندهی و طرح ریزی برای نوشتن. افرادی که مبتلا به ناتوانیهای یادگیری هستند اغلب بسیاری از این تواناییهای لازم را ندارند و در برقراری ارتباط از طریق نوشتن مشکلاتی را تجربه می‌کنند. کودکانی که از لحاظ مهارت‌های نوشتاری ضعیف ترند برای رشد عضله‌های ظریف دست و انگشتان فاقد تجربه کار کردن، چرخاندن، گرفتن، در دست فشردن یا فشار آوردن بر اجسام هستند. از این رو کار کردن با مداد یا ماژیک برای این کودکان دشوار می‌باشد. به نظر می‌رسد که این مهارت‌ها در دختران زودتر از پسران کامل و به مرحله ایی کامل از رشد می‌رسد و پسران در این زمینه پشت سر دخترها قرار دارند؛ بنابراین در این پژوهش تایید شد که دخترها در مهارت‌های نوشتاری از قبیل املاء و انشاء از پسران پیشی گرفتند.

به طور کلی پژوهش حاضر دارای محدودیت‌هایی می‌باشد که از جمله آن میتوان اشاره کرد به: آزمون حاضر به عنصر خلاقیت به صورت همه جانبه در خرده آزمون‌های انشاء توجه نکرده است. با توجه به ساختار آزمون، طولانی بودن آن موجب خستگی دانش آموزان می‌شد و پژوهشگر می‌بایست وقفه ای بین آزمون ایجاد کند تا در عملکرد دانش آموزان افتی ایجاد نشود. این آزمون در پایان سال تحصیلی انجام گرفت، امکان به دست آوردن نتایج متفاوت در صورت اجرای این آزمون در ابتدای سال تحصیلی وجود دارد.

منابع

- بای، نرجس. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر دوره پیش دبستانی بر رشد خلاقیت دانش آموزان کلاس اول ابتدایی در سال تحصیلی ۸۹-۸۸. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- بهداد، بهاره. آشنایی کودکان پیش دبستانی با نوشتن. نشریه پژوهش نامه ادبیات کودک، شماره ۳۰، (نماینه ۱۶۰).
- بهمنی، طاهره. (۱۳۸۵). مقایسه پیشرفت مهارت نوشتن در دانش آموزان با اختلال نارسایی توجه، بیش فعالی و عادی پایه اول ابتدایی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- حسینائی، علی، آقاجانی، احمد و نوفرستی، اعظم. (۱۳۹۰). شیوع ناتوانی‌های خاص خواندن و نوشتن در دانش آموزان دوره ابتدایی. مجله روانشناسی تحولی: روانشناسی ایرانی - سال هفتم، شماره ۲۸.
- دادستان، پریرخ، منصور، محمود. (۱۳۷۱). روانشناسی بالینی. تهران: انتشارات ژرف.
- راغب، حجت‌الله. (۱۳۸۴). راهنمای آزمون پیشرفت تحصیلی نوشتن پایه ی اول ابتدایی (ساخت و هنجاریابی). تهران: انتشارات پژوهشکده استثنایی کشور.
- راغب، حجت‌الله. (۱۳۸۴). ویژگی‌های روان سنجی آزمون پیشرفت تحصیلی نوشتن پایه اول ابتدایی. مجله پژوهش در حیطه کودکان استثنایی، شماره ۲، ۲۰۲-۱۸۳.
- راه پیمان، هانا. (۱۳۸۶). مقایسه عملکرد نوشتاری دانش آموزان آموزش دیده و ندیده دوران پیش از دبستان در پایان کلاس اول ابتدایی شهرستان پاوه. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- رخشان، فریدون، فریار، اکبر. (۱۳۷۱). ناتوانی‌های یادگیری: اصول نظری، تشخیص و راهبردهای آموزشی. (چاپ سوم)



تهران: انتشارات بهار.

- سبزه، بتول. (۱۳۸۵). تأثیر فعالیت‌های زبان آموزی دوره پیش از دبستان بر رشد زبان گفتاری دانش آموزان پایه اول ابتدایی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- شهودی مژده‌ی، عطیه. (۱۳۸۹). مقایسه مهارت نوشتاری کودکان با و بدون تجربه پیش دبستانی در پایه اول ابتدایی و ارائه راهکارهای مناسب. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- طالب زاده نوبریان، محسن. (۱۳۸۴). برنامه ریزی آموزش و پرورش کودکان پیش از دبستان. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- کاترین، لاندرت. (۱۳۷۰). آموزش و یادگیری (در دوران پیش از دبستان). ترجمه ناصرقلی بوالحسنی، تهران: انتشارات آینده.
- کاکوجویباری، علی اصغر و هوسپیان، آلیس. (۱۳۸۱). بررسی روش خواندن مقدم بر نوشتن در سواد آموزی به نوآموزان. پژوهش در حیطه کودکان استثنایی. شماره ۴ (شماره مقاله ۱۷۰۵).
- مفیدی، فرخنده. (۱۳۷۲). شناخت آموزش و پرورش پیش از دبستان و اثرات آن در دنیای کودکان امروز. پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت، دوره جدید، شماره ۱ و ۲.

Larson, s, & Hammil, D. D. (۱۹۹۴). The test of written spelling – third edition.

Austin, TX: PRO- ED.

Gale Encyclopedia of childhood and adolescence, January ۱, ۱۹۹۵.